

گذری بر خاستگاه و آیین‌های جشن سده

جشنی باستانی در ستایش نور



در میان عناصر چهارگانه از دیرباز آتش در میان آریاییان اعتبار دیگری داشته است. در اوستا آتش فرزند اهورامزدا و سپندارمذ (= زمین) نامیده می‌شود. از این رو آریانیان باستان آن را همیشه فروزان می‌دانستند و نشانه اهورایی‌اش می‌دانستند و شعله‌اش را نماد فروغ آذلی می‌شمردند و آتشکده‌های همیشه روشن برای آنان به منزله محراب بود. آنان بر این باور بودند که هستی با وجود آتش

و همبستگی مردمان است. امروزه این جشن بین بسیاری از زرتشتیان ایران و خارج از ایران رواج گسترده دارد. زرتشتیان تهران، کرج، استان یزد و روستاهای اطراف میبد و اردکان، کرمان و روستاهای اهواز و شیراز و اصفهان، و در اروپا، سوئد، کالیفرنیا و استرالیا برگزار می‌شوند. در یک نقطه از شهر یاروستا در کنار هم آتشی بسیار می‌افروزند و به نیایش خوانی و سرودخوانی و پایکوبی می‌پردازند.

این جشن در تقویم جدید زرتشتیان مصادف با مهر روز از بهمن ماه شده حال آنکه ابوریحان بیرونی و دیگر منابع آن را آبان روز گزارش کرده‌اند.

بعضی دانشمندان نام سده را گرفته شده از صدمی دانند. ابوریحان بیرونی می‌نویسد: سده گویند یعنی صد و آن یادگار اردشیر بابکان است و در علت و سبب این جشن گفته‌اند که هرگاه روزها و شب‌ها را جداگانه بشمارند، میان آن و آخر سال عدد صد بدست می‌آید و برخی گویند علت این است که در این روز زادگان کیومرث، پدر نخستین، درست صد تن شدند

و یکی از خود را بر همه پادشاه گردانیدند و برخی بر آنند که در این روز فرزندان مثنی و مشیانه به صد رسیدند و نیز آمده که شمار فرزندان آدم ابوالبشر در این روز به صد رسید. نظر دیگر اینکه سده معروف، صدمین روز زمستان است. از ابتدای زمستان (اول آبان ماه) تا ۱۰ بهمن که جشن سده است، صدروز و ۱۰ بهمن تا نوروز و اول بهار ۵۰ روز و ۵۰ شب بوده است و به علت اینکه از این روز به بعد انسان به آتش دست پیدا کرده است شب هم مانند روز روشن و گرم و زنده است شب‌ها هم شمرده می‌شوند.

یکی دیگر از دلایل گرمی‌داشت این شب این است که ایرانیان دو ماه میانی زمستان، همان دی و بهمن را، بسیار سخت و هنگام نیرومند شدن اهریمن می‌دانستند و برای سدک و در فارسی میانه سدگ بوده و واژه عربی سدق و نوسدق (معرب نوسده) از آن آمده است. روایت‌هایی که جشن سده را به ۱۰۰ روز گذشتن از زمستان و یا ۵۰ شب و ۵۰ روز مانده به نوروز تعبیر می‌کنند، همگی از ساخته‌های جدیدتر است و در متون قدیمی نیامده‌اند.

هم در کتاب «التفهیم» و هم «آثارالباقیه» ابوریحان، از پدید

آمدن آتش سخنی نیست بلکه آن را فروختن آتش بر بام‌ها می‌داند که به دستور فریدون انجام گرفت و در نوروزنامه آمده است:

آفریدون همان روز که ضحاک بگرفت جوش سده بر نهاد و مردمان نامیده می‌شد برابر ۴۰ روز است و به دلیل اینکه آتش (مظهر گرما و نور و زندگی) در روز سده کشف شده بود و وسیله دیگری برای مبارزه با اهریمن و بنا بر آیین باعث روشنایی شب مانند روز شد از شب

چله کوچک تا اول اسفند ۲۰ روز و ۲۰ شب (جمعا ۴۰ شب و روز) است. یکی از نشانه‌های پیوند این دو پدیده مراسمی است که در بین عشایر سیرجان و بافت برگزار می‌شود. شب دهم بهمن آتش بزرگی به نام آتش جشن سده، با چهل شاخه از درختان هرس شده که نشان ۴۰ روز «چله بزرگ» است در میدان ده برمی‌افروزند و می‌خوانند:

سده سده دهقانی، چهل کنده سوزانی، هنوز گویی زمستانی و برخی گفته‌اند که این تسمیه به مناسبت صد روز پیش از به دست آمدن محصول و ارتفاع غلات است. «مهرداد بهار» در کتاب «پژوهشی در فرهنگ ایران» و «رضامرادی غیث‌آبادی» در کتاب «نوروزنامه»، بر این باورند که سده در زبان اوستایی به معنای برآمدن و طلوع کردن است و ارتباطی با عدد ۱۰۰ ندارد. عدد «سده» به شکل «صد» معرب شده است در حالی که واژه «سده» به شکل «سذق» معرب شده است.

اگر نخستین روز زمستان را (روز پس از شب یلدا) تولد دیگری برای خورشید یا مهر بدانیم، می‌توان آن را هماهنگ با جشن گرفتن در دهمین و چهلمین روز تولد، آیین کهن و زنده ایرانی دانست. در همه استان‌های کشور و سرزمین‌های ایرانی‌نشین، برگزاری مراسم جشن دهم و چهلم کودک دیده می‌شود و این واژه سدا که به معنی پیدایی و آشکار شدن است، در ایران باستان سدک و در فارسی میانه سدگ بوده و واژه عربی سدق و نوسدق (معرب نوسده) از آن آمده است. روایت‌هایی که جشن سده را به ۱۰۰ روز گذشتن از زمستان و یا ۵۰ شب و ۵۰ روز مانده به نوروز تعبیر می‌کنند، همگی از ساخته‌های جدیدتر است و در متون قدیمی نیامده‌اند.

هم در کتاب «التفهیم» و هم «آثارالباقیه» ابوریحان، از پدید

هیچ‌گاه این مراسم پنهانی و در خفا انجام نمی‌شده و همواره با حضور تعداد زیادی از مردم در بیابان‌ها و دشت‌ها برپا می‌شده است. هنوز هم در کرمان در روز جشن سده، مدارس را تعطیل می‌کنند.

به رغم گذشت هزاران سال از برگزاری نخستین سده، امروزه تغییرات محسوسی در برگزاری این جشن به وجود نیامده است. از آن جا که سده را آتش می‌زنند، به این جشن سده‌سوزی هم می‌گویند. این جشن به یاد آورنده اهمیت نور، آتش و انرژی است. نوری که از خداوند جداست و از خداوند جدا هم نیست. این جشن بیشتر جشنی کهن و ملی به شمار می‌آید و وارث حقیقی جشن سده نه تنها ایرانیان و آریایی‌ها بلکه میراثی است که به بسیاری از کشورهای همسایه ایران نیز راه یافت.

سد به سده، سسی به گله پنجاه به نوروز، موبد اردشیر آذر گشسب در کتاب مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان می‌گوید:

این رسم از دیرباز در کرمان بر جای مانده و تا آنجا که پیران سالخورده از نیکان خود به یاد دارند، همه ساله در روز دهم بهمن ماه برگزار می‌شود.

البته باید اشاره کرد رسم‌هایی مانند سوزاندن کیوتران و پرنده‌گان و جانوران که در حضور شاهان انجام می‌گرفته، به هیچ وجه بر اساس آیین زرتشتی نیست، چرا که آتش نزد آنان بسیار گرمی است و در همه

کتاب‌های آیینی زرتشتیان در مورد نهادن جشن سده در شاهنامه بدین گونه آمده است که هوشنگ با چند تن از نزدیکان از کوه می‌گذشتند که مار سیاهی نمودار شد. هوشنگ سنگ بزرگی برداشت و به سوی آن رها کرد. سنگ به کوه بر خورد کرد و آتش از برخورد سنگ‌ها برخاست. به گفته فردوسی:

برآمد به سنگ گران سنگ خرد هم آن و هم این سنگ گردید خرد

فروغی پدید آمد از هر دو سنگ دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ

جهاندار پیش جهان آفرین نیایش همی کرد و خواند آفرین که اورا فروغی چنین هدیه داد همین آتش آن گاه قبله نهاد یکی جشن کرد آتش و باده خورد سده نام آن جشن فرخنده کرد هوشنگ به شکرانه پیدایش آتش، به نیایش اهورامزدا می‌نشیند و از آن پس آن را جاویدان و فروزان می‌داند و فروغ اهورایی‌اش می‌نامد و مردم را به پرستش آن فرامی‌خواند و به جشن و شادمانی می‌پردازد و نام آن جشن را سده می‌گذارد.

کرمان در ۸۰ سال گذشته مهد برگزاری سده بوده است و همه ساله باشکوه‌ترین جشن سده نیز در آن جا توسط همه مردم برگزار می‌شود. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، زرتشتیان این جشن را با روش‌های تازه‌ای که سابقه تاریخی ندارد، برپا می‌کنند. روح‌الامینی، که خود کرمانی است، درباره برگزاری سده در کرمان می‌گوید:

کرمانی‌ها این جشن را باشکوه‌تر از مناطق دیگر برگزار می‌کنند. هنوز هم در کرمان رسم است که کشاورزان از خاکستر آتش بر زمین‌هایشان می‌باشند، زیرا عقیده اطراف آن به خانه و دکان تبدیل شده و تنها قطعه زمین بزرگی باقی مانده که برای سده سوزی از آن استفاده می‌شود.

سده سوزی در کرمان غروب روز دهم بهمن ماه برگزار می‌شود

اما کرمانی‌ها از چند روز قبل در تدارک آن هستند. از اول بهمن عموم باغداران و مالکان، هر یک به قدر همت و به نسبت ثروت خود، چند بار هیزم را که از بیابان‌ها و کوهپایه‌های اطراف فراهم شده، به محل جشن می‌آورند. دست‌فروشان نیز تا روز نهم بهمن محل گسترده بساط خود را معین می‌کنند. در گذشته که سده سوزی در فضای باز انجام می‌شد، مردم از بعد از ظهر در اطراف محل افروختن آتش به صورت گروهی فرش می‌انداختند و تا فرارسیدن ساعت موعود خود را با گفتگو و دیدار یکدیگر و نوشیدن چای و خوردن آجیل سرگرم می‌کردند، اما این روزها فقط چند ساعت پیش از سده سوزی، در خیابان سده اجتماع می‌کنند.

شهر عوض می‌شود. مغازه‌ها زودتر بسته می‌شود.

چند ساعت قبل از افروختن آتش، زنان زرتشتی در آشپزخانه بزرگ باغ «بداق آباد» آش و سیرو می‌پزند. گردهمایی خانواده‌ها در ایوان باغ و خوردن آش و سیرو و آجیل بخشی از مراسم جشن است. فروشنده‌گان دوره گرد در کنار میوه و آشامیدنی در بساط خود، حتما باید آجیل (تخمه، پسته، مغز بادام و فندق) را هم داشته باشند.

افزون بر مردم شهر، مردم دیگر هم از حومه و شهرهای نزدیک برای شرکت در سده سوزی می‌آیند. بزرگان هنگام شرکت در مراسم



حتی اگر یک شاخه هیزم هم شده برای خرمن سده می‌آورند تا با رضای خاطر مشت از خاکستر سده را به همراه ببرند و برای شگون و برکت در کشتزار خود بپاشند.

پس از ساعت‌ها که شعله‌ها فروکش می‌کنند، مردم به ویژه جوان‌ترها از روی بوته‌های آتش می‌پزند. در قدیم اسب‌سواران زودتر از مردم خود را به آب و آتش می‌زدند و هنر‌نمایی می‌کردند.

در آخرین ساعت پایانی جشن که آتش به خاکستر می‌نشیند، مردم پس از گذراندن یک بعدازظهر شورانگیز و درخشان به خانه‌های خود باز می‌گردند. رسم است که کشاورزان مقداری از خاکستر سده را به نشانه پایان گرفتن سرمای زمستان به کشتزارهای خود می‌برند و می‌گویند که در این شب ستاره گرما به زمین درود می‌فرستد.

هر چند که گفته می‌شود مشهورترین و بزرگ‌ترین جشن سده در زمان مرداویج در سال ۳۲۳ هجری در اصفهان برگزار شده، اما به اذعان همگان در حال حاضر باشکوه‌ترین جشن سده را کرمانی‌ها برگزار می‌کنند. البته، محمدعلی گلاب زاده، مورخ و پژوهشگر تاریخ معتقد است که جشن سده در کرمان باشکوه‌ترین و با بلخند بدرقه‌مان می‌کند.



در این مرحله، آنان پس از گذر از کشورهای افغانستان، پاکستان و هند، به سوی تبت و سپس آسیای جنوب شرقی و استرالیا سفر کردند. در ادامه، آنان، با گذر از اقیانوس آرام، به الاسکا، آمریکای شمالی، و آمریکای جنوبی سفر کردند. سرانجام، با گذر از اقیانوس اطلس، وارد اروپا شدند. آن دو، در اقامت کوتاه خود در اروپا، از محل انتشار مقالات پژوهشی مربوط به سفرهایشان و مصاحبه با رسانه‌های گوناگون اروپایی، منابع مالی مورد نیاز برای مرحله دوم سفر خود (به آفریقا) را تأمین کردند. بخشی از اقدامات آنان فروش مقالات پژوهشی به شرکت خودروسازی فرانسه، سیتروئن، بود که در ازای آن موفق به خریداری یک دستگاه خودروی ون دوسیلندر و دریافت مبالغ قابل توجهی پول نقد شدند. آنان مرحله دوم سفرهای جهانگردی خود را با خودروی ون دوسیلندر در بافتی از شرکت خودروسازی سیتروئن، از مرز جنوبی ایران با کویت آغاز کردند. سپس، با گذر از عربستان سعودی (وزارت کعبه) وارد آفریقا شدند. سفرهای این دو برادر در زمانی انجام شد که امکانات سفر قابل مقایسه، با جهان امروز نبود بیشترین دوران سفرهای آنان در شگفت‌انگیزترین مناطق پنج قاره جهان و در سخت‌ترین شرایط انجام گرفت. آنها با بیشتر رؤسای جمهور، نخست وزیران، پادشاهان و شخصیت‌های فرهنگی کشورهای جهان دیدار کرده و با آنان به صحبت نشستند. در پایان این سفر درازمدت‌شان، عبدالله در کشور شیلی اقامت گزید و هم اکنون نه تنها سردبیری دو مجله سینمایی و سیاحتی را در شهر سانتیاگو بر عهده دارد، بلکه او با پایه‌گذاری یکی از بزرگ‌ترین مراکز سینمایی، نام ایران را در آن دیار نیز پرآوازه ساخته است اما عیسی پس از بازگشت در ایران ماند و اولین یکشنبه به ماه در موزه شان می‌نشیند و خاطرات شیرینش را بارها و بارها با بازدیدکنندگان مرور می‌کند. عیسی امیدوار با خاطر آتش امیدوار ترمان می‌کند به فر داه. او بی‌دریغ تجربه‌هایش را در اختیار مان می‌گذارد و با بلخند بدرقه‌مان می‌کند.